

متن پرسش

با سلام: چندی پیش صحبتی از شاگردان مرحوم سعادت پرور شنیدم که می‌خواستیم نظر شما را در این مورد بپرسم. بحث در مورد امامت انسان کامل و حکومت اسلامی بود که ایشان می‌گفتند که در حکومت اسلامی قدرت باید در دست انسان کامل باشد. حال اگر انسان کامل حضور نداشت باید انسانی که عارف وارسته باشد و اسفار اربعه را طی کرده باشد که بتواند در راس حاکمیت بایستد. مثالی ایشان زدند در مورد انقلاب اسلامی و گفتند که در اول انقلاب بخاطر روح قدسی امام خمینی بود که شرایط جامعه تغییر کرد و بلایا و فتنه‌ها از جامعه دور شد و در همه مردم روحیه گذشت و ایثار وجود داشت و مردم از حکومت دینی لذت می‌بردند. ایشان کلا علت پیروزی جنگ ۸ ساله و اون روحیه شهادت طلبی که در جوانان را بخاطر وجود روح قدسی در راس حکومت می‌دانستند. در بخش دیگری از سخنان ایشان اشاره به وضعیت فعلی بود که می‌گفتند با وجود اینکه الان رهبر قدسی در کشور وجود دارد اما قدرت در سه قوه مقننه و مجریه و قضاییه پخش شده و به نوعی ایشان در راس امور نیستند. با اینکه زمان امام خمینی این قوای سه گانه وجود داشت اما کسی رو حرف امام حرف نمی‌زد و یک قداستی برای ایشان در جامعه وجود داشت. این حکومت فعلی مثل دموکراسی غربی است که قدرت در قوای مختلف پخش شده. به عبارت دیگر قدرت در سیستم نفوذ کرده و با اینکه مدیران عوض می‌شوند ولی سیستم تغییری نمی‌کند. نمی‌خام بگم دقیقاً عین غرب شده ولی علت این شرایط اجتماعی و اقتصادی را این میدانستند که قدرت در دست عارف وارسته و کامل نیست. نظر شما چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نکات خوبی است و حقیقتاً همانطور که به ما در روایات فرموده اند آن اندازه که مردم شبیه حاکمان شان هستند، شبیه والدینشان نمی‌باشند و این را ما در ابتدای انقلاب و در فضای دفاع مقدس تجربه کردیم از آن جهت که نیاز است انسان‌ها برای زندگی سالم، ذیل حاکمیت اسلام و انسانی‌الهی زندگی را بگذرانند. ولی از آن طرف، آزادی انسان و انتخابی که باید بر اساس معارف قدسی انجام دهد نیز باید مد نظر باشد. در زمان حضرت امام خمینی آن نسل تا حدی در فضای معرفتی آن مرد الهی فکر می‌کردند ولی با تهاجم فرهنگی و کوتاهی‌هایی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب پیش آمد، به هر حال ما با نسل جدیدی روبرو هستیم که در فضای معرفتی اصیلی نمی‌اندیشد و وجود شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ها را نباید ساده گرفت. در این جا است که باید به این

فکر باشیم که توحیدی ناب در میان آید که انسان‌ها احساس نیاز کنند که بدون آن نوع نگاه و آن توحید به آنچه باید برسند، نمی‌رسند و این، تنها و تنها باید در سیره و سلوک افرادی مانند من و شما به نمایش درآید تا انسان‌های تحت تأثیر شبکه‌های جهانی متوجه شوند جهانی بسی متعالی در میان است که نمی‌توانند از آن غافل شوند. آیا نباید به این موضوع فکر کرد؟ موفق باشید